

# مبتعات تاریخی

نقل از نشریه بنگاه امریکائی  
صنایع و باستانشناسی ایران

اطلاعات تازه در باب

## مهاجرت آرینها بهند

بقلم ربرت هاین گلدرن

« نظریات مختلفی راجع بمنشاء آرینها، تاریخ مهاجرتشان بهندوستان و مسیر این مهاجرت تا کنون اظهار شده است ولی چون این نظریات کمتر بر اساس علمی استوار بوده و از دائره فرض خارج نشده است و مخصوصاً چون از تحقیقات باستان شناسی برای این امر استفاده چندانی نکرده اند به نتیجه مثبتی که قابل قبول باشد نرسیده اند. چندی قبل در نشریه «بنگاه امریکائی هنرو باستان شناسی ایرانی» بقلم ربرت هاین گلدرن مقاله ای انتشار یافت که از حیث تحقیقات دقیقی که از روی آثار مکتشفه در حفریات در باره مهاجرت آرینها بهند کرده است بسیار شایان دقت است چون این موضوع یکی از مهمترین مسائل تاریخ تمدن است و تا کنون کمتر باین خوبی و از روی اسبوب علمی در آن تحقیق بعمل آمده ما آنرا برای اطلاع و استفاده خوانندگان ترجمه میکنیم :

کوشش های بسیاری که در مدت یکقرن بعمل آمده است تا بکمک روابط زبانشناسی منشاء و محل اصلی آرینهای ودی، راه مهاجرت آنها و تاریخ مهاجرتشان را بهندوستان کشف کنند هنوز نتیجه قطعی و عام القبولی نداده است و شاید علت این عدم موفقیت این باشد که با آثار مکتشفه در حفریات یعنی اسناد باستانشناسی اهمیت داده نشده است. تا کنون گمان میکردند که از آثاری که در هندوستان بدست آمده هیچکدام را نمیتوان بدوره ای که تازه آرینها بانجا رسیده بودند نسبت داد. اما

اکتشافاتی که در ۱۶ سال اخیر در دو شهر «هرابا» و «مهنجودارد» (دو شهر قدیمی در حوالی رود سند) بعمل آمده است از تمدن درخشان غیرآریائی خبر میدهد که متعلق بدوره ایست که هنوز آرینها بهندرسیده بودند و چون آثاریکه در هندشمالی بدست آمده اصلاً شباهتی باآثار دو شهر نامبرده ندارد و از حیث ساخت هم برآثار آندو شهر ترجیح دارد و تمدن تازه تر و درخشان تری را میرساند معلوم میشود این آثار از آرینهائیکه تازه بهندرسیده بودند باقی مانده.



ش ۱

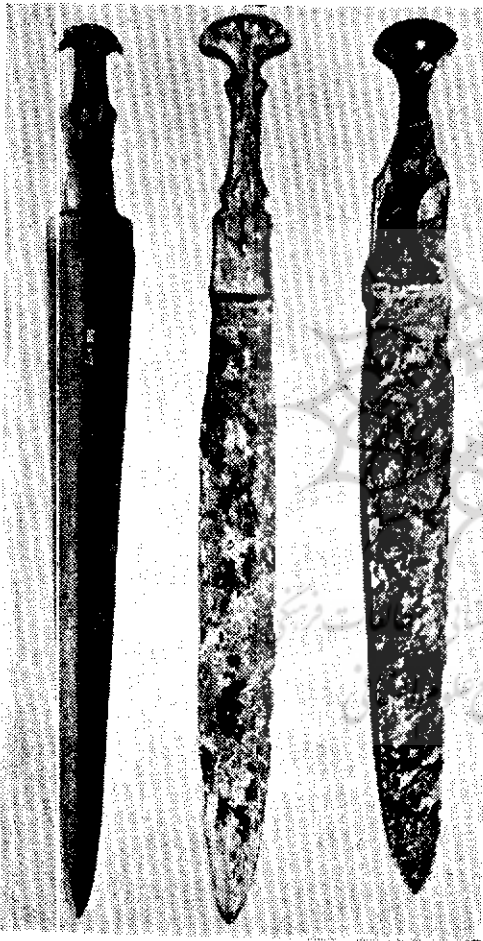
سلاح تبرمانندی که در دره کرم در شمال غربی هندوستان بدست آمده

تقریباً ۲۰ سال قبل از دره «کرم» که از شعب رودسنداست و نزدیک سرحد افغانستان واقع شده اسلحه تبرمانندی یافت شد که در این تصویر ملاحظه میشود (ش ۱) و تنها اسلحه ایست از این نوع که در هندوستان کشف شده است در صورتیکه نوع آن در شرق نزدیک و اروپا فراوان است و تحقیقات دقیق معلوم داشته است که منشأ این نوع اسلحه در سوریه بوده و از آنجا در حوالی قرن ۱۲ پیش از مسیح در اروپای جنوبی و غربی و آسیای صغیر و گرجستان منتشر شده است، چنانکه شبیه آن در گرجستان یافت شده است و نیز در حوالی گرگان یکی از آنها را یافته اند و این اکتشافات میرساند که بین هندوستان، ایران شمالی و ماوراء قفقاز در حدود ۱۲ قرن قبل از مسیح بکنوع ارتباطی موجود بوده است.

دشنه بزرگی که در پنجاب یافت شده و در ۱۸۸۲ بموزه آثار باستانی ادنبورک

تقدیم شد. دسته و تیغه این دشنه یکپارچه میباشد و شباهت تامی بخنجرهای طوایف

کمنونی قفقازیه دارد. از این نوع دشنه تنها این یکی در هند یافت شده در صورتیکه از امثال آن در شمال، مغرب و مرکز ایران بسیار یافته اند (ش ۲) که همه متعقند بدوره ای بین قرن ۱۲ و ۱۰ پیش از مسیح و میرسانند که در آندوره بین نقاط نامبرده رابطه ای برقرار بوده است.



ش ۲

الف

ب

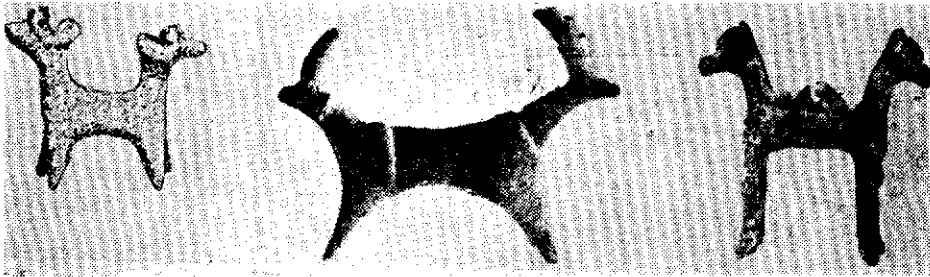
ج

دشنه های برنزی که (الف) از حفريات پنجاب (ب) از لرستان و (ج) از نهاوند بدست آمده

از مقایسه بین سر نیزه هائیکه از جلگه گنک وسطی بدست آمده با سر نیزه یا زوبین هائی که در ماوراء قفقاز و لرستان پیدا شده آشکار میشود که سر نیزه های هندوستان تحت تأثیر صنعت مغرب واقع شده و باز همان ارتباط نامبرده را میرساند.

در موقع حفاری در «مهنجود ارو» در طبقات بالاتر زمین که یادگار آرینهاست تبری یافته اند که نظائر آن در ایران و اروپا زیاد یافت شده است و اینهم سند دیگریست که بین تمدن هند در قرن ۱۲ ق. م. و تمدن ایران و اروپا تماسی بوده است. در حدود گرگان و در حصار چنگلهای دوشاخه بزرگ مسی یافت شده که نوع آن در ماوراء قفقاز فراوانست و متعلقست بقرون آخر دومین هزاره پیش از مسیح.

حیوانات دوسر کوچکی که اغلب از مس ساخته شده اند در حصار یافت شده که خیلی شباهت به حیوانات دوسر دارد که در ارمنستان، ماوراء قفقاز و در لرستان یافته اند. (ش ۳)

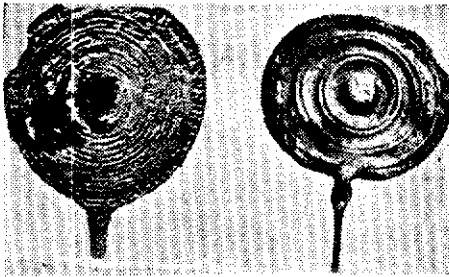


### ش ۳

حیوانات دوسر برنزی و مسی که به ترتیب در تپه حصار، ماوراء قفقاز و لرستان یافت شده شیشی مسی که به عقیده دکتر اشمیت باد بزن ولی محققاً یکنوع سر سنجاق است در حفاریات حصار نظیر شیشی است که در لرستان پیدا شده و هر دوی اینها از آثار تمدن قفقاز شمالی هستند که آنها در تحت تأثیر تمدن نواحی دانوب بوده. دیگر یکنوع سر سنجاق باروئی شکل در حصار یافته اند که از آن قبیل در قفق زرباد پیدا شده. (ش ۴) در حفاریهای حصار دکتر اشمیت میله هائی پیدا کرد که سر آنها با مجسمه های حیوانات یا اشکال بی معنی زینت شده بود. این میله ها در ظرفهای مسی یا گلی جای داشتند.

دکتر اشمیت شباهت بسیاری که بین این اشیاء و بتجه های مقابر لرستان موجود است اشاره کرده است. سر این میله ها خیلی شبیه بسر سنجاقهای قفقاز شمالیست، آیا با وجود این دلائل متقن رابطه این نقاط را با هم از قرون ۱۲ تا ۱۰ قبل از مسیح انکار کرد.

در حوالی گرگان و در حصار خنجر هائی یافته اند که وسط تیغه آنها برآمدگی دارد و بین دسته و تیغه نیز برآمدگی موجود است و نوک دسته کج شده است در روسیه جنوبی نظیر این دشنها یافت شده با تفاوت اینکه نوک دسته آن برگشتگی ندارد و



ش ۴

ب

الف

اشیا، مسی که شاید سرسنگهای بخصوصی باشد  
(الف) از تپه حصار (ب) از لرستان

متعلق است بقرون ۱۰-۱۲ ق. م. دشنه مذکور قطعاً اصلش از روسیه جنوبیست که وقتی بایران آمده آنرا مطابق دشنه های معمول آنوقت دسته برگشته ساختند.

تمام این اشیاء که اصلشان از روسیه جنوبی و ماوراء قفقاز است متعلقند بدوره قرن ۱۰-۱۲ ق. م.

و تبری هم که در هندوستان یافت شده متعلق بهمین دوره است از نوع این تبر در ایران شمالی و غربی فراوانست و وقتی اثر آنرا در اروپا پیروی کنیم می بینیم اصلش به ترانسیلوانی و ملداوی میرسد.

در هندوستان شمالی در جلگه گنگ و وسطی مقداری شمشیر و خنجر بزرگ مسی یافته اند که دسته آنها دارای انشعابات شبیه بشاخک حشرات است این قبیل شمشیرهای راست پهن اولیه قطعاً از اروپای مرکزی و شمالی سرچشمه گرفته اند و در هندوستان قبل از قرن ۱۳ ق. م. سابقه نداشته اند. ولی این نوع بخصوص با آنکه از اروپای مرکزی و شمالی آمده به شمشیرهای مکتشفه در قفقاز شبیه تر است. و از این برمیآید که بدون شك از زمانی بین قرن ۱۲ و ۱۰ ق. م. تمدن مغرب نفوذ عمیقی در تمدن هند کرده است (ش ۵).

از کتیبه هائیکه از مصریها و هیتی های قدیم بدست آمده معلوم مینماید که

شاهزادگان آریائی که اسمهای هندو آریائی داشته و خدایان هندو آریائی را پرستش میکردند در قرن ۱۵ و نیمه اول قرن ۱۴ ق. م بر کشور « میتانی » در بین النهرین



### ش ۵

سلاحها و تیر برنزی که در نزدیک استراباد بدست آمده

شمالی و چند ایالت سوریه حکمرانی میکردند. این شاهزادگان آریائی که بر ملتی غیر آریائی حکومت داشتند قطعاً از طایفه آرینهائی بودند که در شمال و شمال شرق

یعنی کردستان، ارمنستان، ماوراء قفقاز و ایران شمال غرب ساکن بودند و آثار باستان شناسی هم گواه است که آرینها در این نقاط سکونت داشتند و محقق است آریه که در این نقاط ایران شمال شرقی پیدا شده متعلق است بدوره مهاجرت آرینها به هندوستان.

دلایل دیگر مهم برای ثبات این نظریه موجود است. عده ای از هند شناسان از قبیل « هوفر » و « هیل براند » ثابت کرده اند که مؤلفین سرود های ودی اسم طوایف پارتیرا که در جنوب شرقی دریای خزر ساکن بوده اند میدانسته اند و « پانی » و « دازا » که در « ریک ودا » ذکر شده دشمن نژاد آریه بودند باغلب احتمال همان « پارتی » و « داهه » یا « دازه » میباشند که از قرار نقل مورخین یونان و روم در جنوب شرقی دریای خزر ساکن بوده اند و در این نقطه بود که آرینها در مسیر خود بانها برخورد و با آنها منازعات کرده اند و آثار مهم که در این نواحی مثلا در تپه حصار نزدیک دامغان و « تورنگ تپه » نزدیک استرآباد بدست آمده، گواه است که آرینها بر آنجا استیلا یافته بوده اند.

اما نکته ای که قابل ملاحظه است اینست که در شاه تپه نزدیک استرآباد که تا تورنگ تپه ۲۱ کیلومتر مسافت دارد هیچ اثری از آرینها کشف نشده و معلوم می شود که آرینها بر این شهر مستولی نشده اند زیرا بیشتر استیلا و غلبه است که میتواند هنر و فرهنگ جائیرا کاملاً تغییر دهد و تماس تنها کافی نیست

نکته دیگری که باید توضیح داد اینست که بعضی از این اشیاء مکشوفه از قبیل اسلحه تبر مانند (ش ۱) دشنه های خنجر مانند، زوبینها، چنگالهای مسی و حیوانات دوسر اصلشن ایران غربی و ماوراء قفقاز بوده است در صورتیکه اشیاء دیگر از قبیل سرسنجاقهای گرد و پاروئی شکل، مجسمه هائی که بر نوک میله های فلز است، خنجر های شاخکی، از ایا لات قفقاز شمالی آمده و اشیاء دیگر مثل خنجرها و

سرنیزه های مخصوص از روسیه جنوبی منشاء گرفته در صورتیکه اشیائی از قبیل تبرهای ایرانی شمالی و غربی اصلشان از نواحی دانوب بوده است و خلاصه گرچه همه اینها بین قرن ۱۲ تا ۱۰ ایران و هند رسیده منشاء آنها مختلف است ولی روی هم رفته همه آنها در روی خطی واقع شده اند که ترانسیلوانی و هند را متصل کرده از روسیه جنوبی و قفقاز و ایران شمال غربی میگذرد.

توضیح این نکته از این قرار است: در ربع سوم هزاره دوم قبل از مسیح طوایف «ایلریان» که در آلمان وسطی و شرقی، در لهستان غربی و در بیشتر خاک چکوسلاواکی امروزه ساکن بودند بطرف جنوب حرکت کرده اتریش، هنگری و اراضی بالکان را تصرف کردند و در نتیجه هجوم آنها طوایف جنوبی مجبور به حرکت شدند. طوایف «تراسی» بر نواحی جنوب دانوب مستولی شدند. «فریثری» یا «فیلسینها» ها آسیای صغیر را تصرف نمودند و امپراتوری «هیتی» ها را اشغال کردند. این نهضت در ۱۲۰۰ ق. م. باوج شدت خود رسید اما چون بسرحد مصر رسید متوقف شد. رامسس ۳ فرعون مصر طوایف «فلسطین» را شکست داد و آنها ناچار در «فلسطین» امروزه اقامت گزیدند. اما این نهضت تنها سمت جنوب متوجه نشده بود. در حالیکه عده ای از طوایف «تراس» به جنوب حرکت کردند «سوریائی» ها سمت روسیه جنوبی و کوههای قفقاز رو آوردند.

باین طریق هندو آرینهائی که از نیمه اول هزاره دوم ق. م. در کردستان، ارمنستان ایران شمال غربی و قفقاز ساکن بودند در سال ۱۲۰۰ ق. م. ناچار در تحت فشار تراسیها به حرکت آمدند و چون راه جنوب را امپراتوری آشور سد کرده بود از جنوب شرقی و مشرق راه پیدا کردند. عده ای بلرستان رفتند، عده ای بشمال ایران و از آنجا گذشته به هند رسیدند. باین طریق این مهاجرین که با آنها طوایف «تراس» هم که از



ترانسیلووانی آمده بودند همراه بودند و شاید طوائف بسیار دیگری بهند رسیده تمدن و فرهنگ تازه ای بآنجا بردند .

از اینرو معلوم میشود که مهاجرت آرینها به هندوستان واقعه منفردی در تاریخ تمدن قدیم نبوده بلکه دنباله یکعده نهضتها ، تهاجمات و مهاجرتها بدست که تمدن دنیای قدیم را تکان شدید داده و فرهنگهای مختلفه را بهم آمیخته است . طوایف مهاجمی که با آسیای صغیر و مغرب رقتند ( تراسی ها ، کیمری ها ، فریژی ها و فیلسینها ) بزودی مغلوب نژاد های دیگر شده تمدنشان مستحیل شد در صورتیکه آرینها تیکه بابران و هند آمدند این دو کشور را کاملاً آریائی کردند و فرهنگ و تمدن خود را بر جای گذاشتند .

### شباهت جانوران و رستنیها

دانشمند هندی « سرژاگاری شاندرایز » در نطقی که در سال ۱۹۲۸

در « انجمن برتیمانیاپی پیشرفت علم » ابراد کرد ثابت نمود که طرز جربان شیرۀ غذایی در رستنیها شباهت کاملی با گردش خون در جانوران دارد و این دو نوع از جنس موجودات در این امر شبیه و مشترکند .